

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده لاحرج  
موضوع جزئی: ادله قاعده \_ دلیل اول: آیات \_ آیه دوم  
تاریخ: ۱۵ آبان ۱۴۰۰  
مصادف با: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۴۳  
جلسه: ۱۰

(الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین)

**خلاصه جلسه گذشته**

بحث در استدلال به آیه دوم از آیاتی بود که برای قاعده لاحرج مورد استناد قرار گرفته است. آیه دوم آیه ۶ سوره مائده است. تقریب استدلال به این آیه را در جلسه گذشته عرض کردیم و نظر کسانی که قائل به عدم صحت استدلال به این آیه شده اند را بیان کردیم. گفتیم تفاوت اصلی بین این گروه با کسانی که استدلال به این آیه را تمام می دانند در این جهت است که این ها می گویند این آیه به طور کلی نفی حرج از احکام و تکالیف الهی می کند به این معنا که در احکام و ملاکاتشان هیچ حرجی نیست. اگر هم مشقت و سختی وجود دارد، این مشقت و سختی بی فایده و بدون مصلحت نیست بلکه این سختی ها و مشقت ها همگی به خاطر مصلحت بندگان و منفعتی که برای بندگان وجود دارد جعل شده است. پس اساسا این ربطی به بحث ما ندارد چون موضوع بحث ما حرجی است که بعضی از اوقات عارض بر مکلف و یا فعل او می شود. در حالی که آنچه که به وسیله آیه نفی شده، نفی حرج از تکالیف و ملاکات احکام است، و هو اجنبی عن ما نحن فیه.

مرحوم علامه طباطبایی دو شاهد بر این مدعی ذکر کرده اند:

یکی اینکه نفی متعلق شده بر ارادة الجعل. این خودش حاکی از این است که دارد جعل احکام حرجی از سوی خداوند را نفی می کند. اگر نفی متعلق به حرج شده بود، آنوقت چه بسا می توانست مورد استدلال قرار بگیرد، اما اینجا متعلق به حرج نشده بلکه متعلق به جعل شده. می گوید «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ».

یک قرینه دیگری هم ذکر کرده اند و آنهم اضرایبی است که خداوند تبارک و تعالی به دنبال این آیه ذکر کرده اند، «و لکن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ». این در حقیقت شاهد بر این است که آیه مناسب استدلال نیست، برای اینکه می خواهد بفرماید آن فایده، مصلحت و منفعتی که خداوند برای شما در نظر گرفته و بر اساس آن احکام را جعل کرده، این است که شما تطهیر شوید. این ها به غرض تطهیر و پاکی شما جعل شده، غرض این نیست که شما به حرج و زحمت بیافتید.

حال می خواهیم ببینیم این دو شاهد و دلیل مورد قبول هست یا خیر.

## بررسی دیدگاه دوم

### بررسی شاهد اول

به نظر می‌رسد شاهد اول مخدوش است و نمی‌تواند اثبات کند آنچه را که قائلین به عدم تمامیت استدلال به آیه می‌گویند. سوال و پرسش ما این است که اگر خداند تبارک و تعالی می‌خواست حرجی که محل بحث ما است را نفی کند چه باید می‌فرمود؟ یعنی حرج عارض بر احکام، حرج و مشقتی که باعث می‌شود حکمی برداشته شود. اینجا فرموده «ما یُریدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ». فرض می‌کنیم که خداوند می‌خواست بگوید حرج در احکام وجود ندارد، یعنی اگر حکمی بنا بر عروض شرایطی حرجی شد، کنار می‌رود؛ چه تعبیری باید می‌فرمود؟ همین تعبیر. اتفاقاً شاهی که مرحوم علامه ذکر کردند، بر معنایی که دسته اول گفته اند شاید دلالت روشن تری داشته. «ما یُریدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»، یعنی کأن خداوند می‌خواهد بفرماید اگر تکلیفی برای شما موجب حرج شد، خدا آن را برداشته و نفی کرده. یعنی اراده خدا به آن تعلق نگرفته، «ما یُریدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ». این اگر اشاره به معنای مورد نظر ما داشته باشد، چطور ناسازگار است؟

پس اینکه نفی متعلق شده به ارادة الجعل و متعلق به خود حرج نشده، با معنایی که ما از آیه کردیم هم سازگار است. ما گفتیم این آیه می‌خواهد بگوید در سفر اگر برای شما حرجی بود که غسل یا تیمم کنید، بجایش تیمم کنید. چون خدا جعل نکرده حکم حرجی برای شما. این دقیقاً با همین معنا هم سازگار است. لذا این شاهد بر آن معنا نیست.

### بررسی شاهد دوم

اما شاهد دوم یعنی «ولکن یُریدُ اللهُ لِيُطَهِّرْكُمْ»، در واقع این استدراک و اضرابی که از جمله قبل شده، خودش نشان دهنده این است که خدا می‌خواهد بگوید غرض حرج در کار نیست، بلکه غرض تطهیر شما است، یعنی چیزی که به مصلحت شما است. این هم موافق با همان معنایی است که گفتیم یعنی اساساً احکام و تکالیف الهی به غرض حرج جعل نشده اند، بلکه به خاطر مصلحت و فایده ای است که جعل شده اند.

به نظر می‌رسد این هم نمی‌تواند شاهد باشد. دقیقاً اگر همان معنایی که ما ذکر کردیم و مستدلین به آیه به آن استدلال کردند هم منظور باشد، همین تعبیر را در اینجا به کار می‌برد. یعنی خصوصیتی ندارد این تعبیر که چون این تعبیر را به کار برده پس همان معنا از آن استفاده و اراده شده.

اگر به سیر بیان خداوند در این آیه توجه فرمایید، خداوند تبارک و تعالی ابتدا دستور به وضو و غسل می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا». بحث وضو را مطرح کرد، بحث غسل را مطرح کرد و سپس فرمود اگر در مرض و سفر بودید و یا شرایطی برای شما پیش آمد که نیازمند به تطهیر و تغسیل بودید و آب پیدا نکردید تیمم کنید. بعد کیفیت تیمم را بیان کرد و بعداً فرمود: «ما یُریدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ یُریدُ اللهُ لِيُطَهِّرْكُمْ». یعنی وضو و غسل را برداشت و به جای آن

تیمم را قرار داد. اینجا که میفرماید «مَا يُرِيدُ اللَّهُ» و بعد که میفرماید «لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ»، می‌خواهد بگوید خداوند نمی‌خواهد کسی را به سختی و مشقت بیاندازد؛ تکلیفی که خداوند به عهده شما گذاشت وضو و غسل بوده. بعد که آن شرایط پیش آمد، فرمود در سفر و مریضی می‌توانید تیمم کنید.

اینجا که میفرماید: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»، یعنی خدا نمی‌خواهد مردم سختی و مشقت ببینند، نمی‌خواهد مردم به مشقت بیافتند، بلکه خدا می‌خواهد مردم پاک شوند. تیمم هم همین کار را می‌کند. قبلا وضو و غسل طهارت را ایجاد می‌کرد، الان تیمم هم همین کار را می‌کند. یعنی کأن تیمم از مصادیق و افراد تطهیر شما است. خدا آنچه را که می‌خواهد طهارت است، می‌گوید اگر می‌خواهید نماز بخوانید، باید طاهر باشید چه از حدت اکبر و چه از حدت اصغر. اما اگر طهارت مائیه حرجی شد و مشکل داشت، خداوند تبارک و تعالی دستور به تیمم داده و تیمم هم محصل طهارت شما است، یعنی اگر آب شما را طاهر و پاک میگردانید، خاک هم این خصوصیت را دارد و باعث تطهیر شما می‌شود. پس چگونه «وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ» شاهد بر مدعای ایشان است؟

پس هر دو شاهی که آقایان ذکر کردند، نه تنها قرینه و دلیلی بر قول به عدم تمامیت استدلال به آیه نیست، بلکه بدون هیچ مؤونه ای، و بدون هیچ تکلفی بر معنایی که ما عرض کردیم، دلالت می‌کند.

### اشکال

اینجا فقط یک سوال و اشکالی ممکن است مطرح شود که تا اینجا نتیجه این شد که این دو شاهد نمی‌تواند اثبات کند نظر قائلین به عدم تمامیت استدلال به این آیه را. خود شما هم گفتید که این دو شاهد با معنایی که گروه اول هم گفتند یعنی مستدلین، هم سازگار است. نهایت این است که اینجا بالاخره احتمال معنای دوم هست یا خیر؟ به عبارت دیگر حداقل شما پذیرفتید که این دو می‌تواند شاهد بر معنای مورد نظر شما هم باشد. اگر پای احتمال بیاید وسط و اگر در مورد آیه هر دو احتمال وجود داشته باشد، پس إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال و دیگر نمی‌شود به این آیه استدلال کرد. چون «مَا يُرِيدُ اللَّهُ» در واقع هم احتمال دارد نفی حرج کند از احکامی که حرجی هستند و این مشکلات و مشقت‌ها عارض شده اند و هم احتمال دارد نفی حرج را از مطلق تکالیف و بگوید به طور کلی تکالیف خداوند واجد مشقت بی‌فایده و بی‌حاصل نیستند؛ بلکه هر مشقتی که وجود دارد، در درونش فایده و مصلحتی برای مکلف وجود دارد. بالاخره دو احتمال وجود دارد و اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال. به تعبیر دیگر چه رجحانی وجود دارد که احتمال اول را بر احتمال دوم ترجیح می‌دهید؟ این اشکالی است که باید آن را برای تمامیت استدلالمان پاسخ دهیم.

### پاسخ

ظاهر این است که در مورد این آیه بنا به جهاتی آن احتمالی که اول ذکر شد، ترجیح دارد بر احتمال دوم. احتمال اول این بود، که به آیه می‌توان استدلال کرد. اینکه «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» در واقع می‌خواهد بگوید اگر قبلا

برای شما وضو و غسل واجب بود و چنانچه مشکلات و مشقت هایی پیش آمد و خداوند تیمم را به جای آن قرار داد، همگی برای این بود که خداوند نمی خواهد برای شما مشقت و حرجی ایجاد کند.

حال از بین این دو احتمال، احتمال اول رجحان دارد چون به نظر می رسد آیه در معنای اول ظهور عرفی دارد، در حالی که این ظهور در معنای دوم نیست. اصلاً نوبت به تساوی احتمالی نمی رسد که بخواهیم یک احتمال را بر دیگری ترجیح دهیم که شما بخواهید این اشکال را کنید یا سوال کنید که به چه دلیل یکی از این دو احتمال ترجیح پیدا می کند. ما اصلاً می خواهیم بگوییم احتمال اول، احتمالی است که عرف از آیه می فهمد. ظهور عرفی آیه به نظر ما در معنای اول است. «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا سَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ»؛ آیه می گوید اگر مریض بودید یا سفر بودید و یا یکی از شما از قضای حاجت برمی گشت یا آمیزش با زنان داشتید و آب پیدا نکردید، پس تیمم کنید. آنگاه کیفیت تیمم را هم توضیح داده است.

ظاهر این است که «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»، مربوط به تیمم در حال مریضی و سفر است، چون قبلش می گوید اگر مریض بودید و یا سفر بودید آب پیدا نکردید تیمم کنید، خدا نمی خواهد شما را به سختی بیندازد. حال اگر این جمله را به عرف بدسیم، چه می فهمد از آن؟ واقع این است که ظهور عرفی آیه در این است که این «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» مربوط به همین تکلیف است، مربوط به همین تیمم است که به دنبال وضو و غسل آمده. کأن می گوید اگر آب پیدا نکردید برای وضو و غسل، تیمم کنید؛ خدا که نمی خواهد شما را به سختی بیندازد. پس ظهور عرفی آیه معنای اول است. لذا ما احتمال اول را به این جهت ترجیح می دهیم که احتمال دوم مرجوح است و این مطابق با ظاهر آیه نیست و دیگر نیازی نداریم که ما دنبال مرجح برای احتمال اول بگردیم. اینجا دیگر إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال معنا ندارد. بله می توان هزار احتمال مرجوح را ذکر کرد، اما احتمال مرجوح که مخل به معنای ظاهر نمی شود. احتمال مرجوح همیشه از ناحیه مخاطب و شنونده نادیده گرفته می شود، این بنا و روش عرف هم هست، عرف هم به همین شیوه عمل می کند. بنابراین احتمال اول از نظر عرفی بسیار روشن و ظاهر است و احتمال دوم به نظر ما احتمالی مرجوح است.

سوال:

استاد: اصلاً معنا همین است. ببینید دو مسئله وجود دارد، یکی اینکه این حرج را دارد از این حکم بخاطر شرایطش نفی می کند. حرف ما هم همین است، منتهی یک بحثی است که قبلاً هم مطرح کردیم که آیا این در خصوص وضو و غسل و تیمم ثابت است یا تعلیلی است که برای همه احکام. ما گفتیم چون در مقام تعلیل وارد شده، همه احکام را که حرج بر آنها عارض شود نفی می کند.

پس معنای آیه همان احتمال اول است و این در واقع مستند به ظهور عرفی است، پس احتمال دوم خود به خود کنار می رود و البته این استظهار مبتنی بر قواعد عربی هست، اما دیگر دلیل و برهانی نمی شود بر آن اقامه کرد. از نظر قواعد

عربی و ادبی اگر ما باشیم و این جمله، این معنا را می‌فهمیم برای اینکه اگر غیر از این بخواهیم برداشت کنیم، یعنی احتمال دوم را تحمیل کنیم به آیه، مستلزم تالی فاسدی است که بر خلاف قواعد عربی یا ادبیات است. امام (ره) هم در اینجا این تعبیر را بکار بردند که «أَنَّ التَّذْيِيلَ بِقَوْلِهِ: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ الظاهر عرفاً في كونه مربوطاً بالتيمم في حال المرض و السفر. و أَنَّ الأَمْرَ بالتيمم لأجل التسهيل و رفع الحرج، اگر خدا امر به تیمم کرده، برای این است که بر مردم آسان بگیرد و حرج را بر دارد، گرفتاری برای شما درست نکند.»<sup>۱</sup>

سوال: آنچه که در آیه نفی شده اراده جعل است نه نفس حرج در حالی که بیان شما نفی نفس حرج است.

استاد: اینکه مرحوم علامه هم فرموده نفی بر ارادة الجعل معلق شده، یعنی اینکه خداوند تبارک و تعالی گفته خدا اراده نمی‌کند جعل حکم را و نگفته خدا اراده نمی‌کند حرج را. پاسخ ما این بود که حتی اگر مقصود این باشد که خداوند می‌خواهد بفرماید که من نمی‌خواهم به مشقت بیافتید، بلکه می‌خواهد آسان بگیرد. اگر سفر و مرض بالاخره مشقت‌هایی را برای دسترسی به آب برای شما ایجاد می‌کند، تیمم کنید. آنوقت «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» معنایش این می‌شود که خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد بگوید ما نمی‌خواهیم شما به حرج بیافتید. اگر می‌خواست این را بگوید چه تعبیری به کار می‌برد؟ می‌گوید خداوند اراده نکرده که شما تکلیفی را که موجب حرج شود انجام دهید، یعنی این از شما برداشته شده. آیا غلط است که اینطور گفته شود؟ بله تعبیر مرحوم علامه این است که نفی معلق شده بر نفس جعل دون نفی الحرج. ما می‌گوییم اینجا هم اگر بود نفی به ارادة الجعل متعلق شده، اما اراده چي؟ اراده تکلیف در صورت حرج. اگر حرجی عارض شود، خدا اراده نکرده این احکام را، خدا اراده جعل احکام را در صورتی که پای حرج در میان باشد و حرجی عارض شود نکرده. پس فرقی نمی‌کرد در این جهت. آنچه که ایشان می‌گویند شاهد بر این است که اینجا مسئله حرج عارضی نیست، مسئله بر مدار حرج اتفاقی نمی‌چرخد، عرض ما این بود که آنها اگر باشد با این تعبیر بیان می‌شد. یعنی اگر با این تعبیر بیان شود هیچ محذوری ندارد، بلکه به همین تعبیر باید بیان شود. خدا می‌خواهد بفرماید اگر سفر و مرض برای شما مشقت ایجاد می‌کند، به جای وضو و غسل تیمم کنید.

این سوالی است که آقایان مطرح کردند و همانطور که عرض کردم، درست است که نفی معلق شده بر ارادة الجعل، اما از این جهت فرقی نمی‌کند. یعنی حرج هم که نفی شده، در حقیقت به همین بیان می‌تواند نفی شود. می‌گوید خدا اراده نمی‌کند جعل حکم را در صورتی که حرجی عارض شود، یعنی این حکم مرفوع است، یعنی حرج باعث می‌شود حکم برداشته شود. معنای نفی حرج همین است و چیزی غیر از این نیست.

۱. کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۱۳.

## نتیجه

پس نتیجه این شد که آیه اول دلالت بر نفی حرج دارد. آیه دوم هم دلالت بر نفی حرج دارد. سه آیه دیگر در اینجا وجود دارد که باید آن‌ها را عرض کنیم.

## بحث جلسه آینده

آیه سوم آیه ۱۸۵ سوره بقره است که میفرماید: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». هر کسی از شما که بیمار بود یا در سفر بود، پس در روزهای دیگری روزه را به جای بیاورد. عمده این جمله است: خداوند تبارک و تعالی برای شما آسانی و راحتی را خواسته، نه سختی و دشواری را. این آیه آیا دلالت بر قاعده حرج می‌کند یا خیر؟ تقریب استدلال به این آیه را انشاءالله در جلسه آینده به همراه اشکالات بیان خواهیم کرد. یعنی این آیه را باید ذکر کنیم، تفاوتی که استدلال به این آیه با دو آیه قبلی دارد را هم باید بیان کنیم و بعد ببینیم اشکالی متوجه استدلال به این آیه هست یا خیر.

«والحمد لله رب العالمين»